

محسن کیهان پور

# تغییر دادن وضع موجود

پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مركز جامع علوم انسانی

دانشجوی کارشناسی مرمت آثار تاریخی  
دانشگاه هنر اصفهان



»

دانش مرمت» عنوانی است بر تارک نشریه‌ای تخصصی، بی‌ادعا در عرصه ژورنالیسم هوچی‌گری و در عین حال دارای داعیه‌ی روشن‌گری و روشن‌نگری در حیطه‌ی تخصص خود.

به عنوان شاهده‌ی که تلاش‌های بی‌وقفه‌ی تنی چند از فعالان هسته‌ی علمی دانشجویان مرمت، و حمایت بی‌دریغ دانشجویان دیگر و برخی اساتید محترم را، در راستای ایجاد و تولد چنین نشریه‌ای از نزدیک لمس و درک کرده‌ام، هدف بلند این عزیزان را می‌ستایم.

قصدم از نگارش این سطور، معرفی این نشریه و یا - به زعم برخی - تعریف و تمجید از آن نیست که: «مشک آن است که خود ببوید»<sup>۱</sup> هدف من توضیح چند نکته در باب لزوم حضور چنین تریبونی و یا درست‌تر بگویم، چنین جایگاهی است و ذکر دستاوردهای احتمالی آن، در صورت شناخت و درک موقعیت شاخص آن. در حیطه‌ی علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی و دایره‌المعارف‌های مرتبط، یکی از خصوصیات کشورهای که سابقاً «جهان سوم» نامیده می‌شدند و امروزه به لحاظ ساختار کلی ارتباطات در جهان، از آنها با عنوان «کشورهای در حال توسعه» یاد می‌شود، فرسودگی پیکره سازمان‌ها و ارگان‌های تصمیم‌گیرنده در بخش‌های مختلف به لحاظ تفکری است که بی‌تردید با تأکید تجربه‌های موجود شناخت و آگاهی از این معضل و برخورد صحیح و مناسب با آن در ایجاد فضای مثبت، جایگاهی بسیار تأثیرگذار دارد.

در خور توجه آن که عموماً این کشورها همچنین کشور ما مشمول حیطه‌ی جغرافیایی متمدنه‌ی کهن نیز هستند و به لحاظ میراث تاریخی، وامدار و وارث این تمدن‌ها و طبیعتاً مسئولیت سنگین‌تری نسبت به حفظ این آثار دارند. با وجود این آنچه با این هدف صورت می‌پذیرد چندان متناسب آن ارزش و اعتبار نیست، و این نیازمند حضور فکرهای تازه‌تر و نوین‌یادی است که با اتکال به پویایی، توان رویارویی با آن چه به صورت کلیشه و بی‌نظر داشت یا کم‌لطفی نسبت به هویت تاریخی - ملی این سرزمین (ایران) از بعد اندیشه صورت می‌گیرد را، داشته باشد. چرا که قطعاً پیشرفت اندیشه‌ی بشری در تمامی شئون، راهی برای گریز از واقعیت‌ها باقی نگذاشته است و نیاز امروز، شناخت و معرفت نسبت به اعتقادات و هویت‌هاست و به کارگیری علوم جدید و یافته‌های نوین علمی در نیل به نتیجه.

ما بسیاری از دستورات عمل‌ها را که امروز حکم آیه‌های منزل را یافته‌اند، بی‌چون و چرا و بدون تحلیل می‌پذیریم و درباره‌ی ماهیت آنها و اینکه چرا در برخی موارد در حیطه عمل توانمند نیستند پرسش نمی‌کنیم و این عدم پرسش، پذیرش ضمنی این دستورات عمل‌هاست و در پاره‌ای موارد دانش خود را نسبت به آنها عقیم می‌پنداریم، در عین اعتقاد به آن (که پرداختن به این تناقض انرژی بسیاری را می‌طلبد و خود مبحثی جداست.<sup>۲</sup>) و نتیجه‌ی تمامی تلاش‌های

۲. اشاره به بدنه‌ی کلی جامعه مرمتی دارد که بر اساس تفکر غالب کارها عموماً کلیشه و بدون نظر داشت تفکر نو انجام می‌گیرد و تنها گاهی شاهد حرکتی بدیع هستیم. به طور عام در این عرصه اجازه حضور «اندیشه‌ی نو» مهیا نیست و در برخی موارد چنان جبهه‌گیری نسبت به این اندیشه‌ها و نیروهای جوان می‌شود که امر بر برخی افراد مشتبه شده و با همه‌ی اعتقادی که به دانش خود دارند، آن را ناکارآمد و عقیم می‌دانند.



به زعم خود صاحب حقیقت است و به تعبیر سارتر: «هر کس خود یک داور است».<sup>۲</sup>

آن چه امروز در بسیاری از کارگاه‌های فعال و تحت امر سازمان محترم «میراث فرهنگی» دیروز و سازمان معظم «میراث فرهنگی و گردشگری» امروز و دوایری مشابه که در این حیطه فعالند - اوقاف و شهرداری‌ها... - در حال رخ نمود است بی‌تعارف و بدون هر گونه یکسونگری دچار روزمرگی شدن مطلق است. که شاخص‌ترین و بزرگترین درد و معضل جوامع خمود و ناپویا<sup>۴</sup> است و مسجل‌کننده‌ی حضور گروه‌های شبه مافیایی در این حیطه. این موضوع زمانی بیشتر خودنمایی می‌کند که در عرصه‌های فعالیت این کارگاه‌ها بعضاً مشکلاتی در برخورد آراء و اندیشه‌های نو با افکار و آموزه‌های قدیمی در حیطه‌ی اجرا و پژوهش پیش می‌آید و نتیجتاً به لحاظ نوع تفکر غالب، اغلب متخصصین جوان صلاح کار را در کناره‌گیری‌ها می‌بینند در صورتی که «اندیشه‌های نو فقط علامتی هستند و نشان می‌دهند که در درون جامعه‌ی کهنه، عناصر جامعه‌ی نوینی آفریده شده است».<sup>۵</sup>

از جمله وظایف مهم دیگر چنین نشریه‌ای پرداختن به فعالیت‌هایی از این قبیل است که با نقد درست آن چه تحت عنوان فعالیت‌های اجرایی در حفاظت و مرمت آثار کوچک و بزرگ در کشور انجام می‌گیرد، هم به درک درست دست اندرکاران این

صورت پذیرفته در این جهت زوال اندک اندک و نابودی برخی از آثار در پی به کارگیری این دستورالعمل‌هاست. و این نیست مگر بر عهده‌ی چنین نشریه‌ای که میدانی جهت ایجاد فضای روشنگری باشد.

اساساً مهمترین عاملی که باعث ایجاد تنش میان فارغ‌التحصیلان رشته مرمت و بروز انفکاک میان آنان و همه‌ی کسانی که به نوعی در این حیطه فعالند می‌گردد، عدم وجود عرصه‌ای جدی جهت تبادل نظر و یا همسنگ نمودن آنان با یکدیگر است، با این توضیح که در برخی موارد تجربه و علم کمک‌های شایان توجهی به اجرای دستورالعمل‌ها می‌کنند و این ارتباط دو سویه است. اما عدم حضور چنین میدانی موجبات ایجاد این شکاف را فراهم می‌سازد که با دامن زدن خواسته یا ناخواسته به آن چیزی جز نابودی آثار و مفاخر تاریخی، فرهنگی و ملی را در پی ندارد. به نظر می‌رسد ترسیم شمایی از آینده تشکیلاتی از حیث نرم افزاری و تفکری از وظایف دیگر چنین نشریه‌ای است که هم عرض با سایر مسائل بایست به آن پرداخت.

عرصه‌ی مهم دیگری که جزء رسالت‌های عموم نشریات تخصصی است و همچنین بر ذمه این اثر، تلاش در جهت یکسان سازی و ایجاد دایره‌المعارف گونه‌ای از واژه‌هاست که عوامل و عناصر اصلی گفتگو و تبادل نظر هستند و بی‌شک از مهم‌ترین عوامل فهم و درک متقابل و دریافت مفاهیم یکسان از گزارش‌ها است.

کما این که بدون حضور چنین نقطه اشتراکی - نظیر آنچه امروز هست - تشمت ناملوس میان مرمتگران وجود دارد که تمامی سعی در پوشاندن و فراموشی آن دارند و آن گونه نمود دارد که هر کس

۲. سارتر، ژان پل؛ زیبایی شناسی؛ ترجمه رضا شیرمرز؛ تهران، ۱۳۸۰.

۴. Unactive

۵. هاورن، آرنولد؛ فلسفه تاریخ هنر؛ ترجمه محمد تقی فرامرزی؛ انتشارات نگاه.





حیطه از شیوه‌های صحیح یاری برساند هم در آینده به طور عام‌تر به آموزش سایر اقشار به پردازد و رفتار مناسب با آثار را به آنان آموزش دهد و هم در تصحیح شیوه‌هایی مؤثر افتد که غلط، ناکارآمد، زیان آور و ساده لوحانه هستند و به طور کلی باعث دوری ما از حدود استانداردهای بین المللی و طرد ما از گردونه‌ی رقابت جهانی در حیطه‌ی حفظ آثار می‌گردند و مانع ثبت آثار بیشتر در فهرست جهانی می‌شوند. بررسی و نقد همه جانبه، بی طرف، علمی، مطابق اصول و روشنگر آن چیزی است که این نشریه در بخشی از مسؤلیت‌های خود باید به آن پردازد.

کسب معرفت و دانش روزآمد، تفکر، اندیشه، امیدواری، تلاش و سعی صدر باید سرلوحه‌ی رفتار متخصصین جوان فکر، قرار گیرد و با اتکال به نقطه اشتراکی شبیه «دانش مرمت» توانمندی خود را در هر باب از موضوع، چه درک هویت فرهنگی، چه توانمندی علمی و چه انتقال تجربیات در ابعاد اجرایی، تقویت نمایند. که بدون چنین فرآیندی همان خواهد شد که نباید و ره به ناکجاآبادی موهوم خواهیم برد که جز تأسف در انتظارمان نیست. در این راستا اگر چه اعتقادی به ایجاد تغییرات یک شبه نیست، به گونه‌ای که واژه‌هایی چون معجزه تنها توضیح دهنده‌ی آن باشد، اما به نظر می‌رسد، سرعت تخریب و فرآیند فرسایش آثار درکشور به گونه‌ای است که چاره‌ای جز تسریع روند تغییرات در تفکر و اعتقاد، در عرصه‌های کلی، اجرایی و مدیریتی وجود ندارد و امروز با نمونه‌ی مجسم این گفته و تعبیر برتراند راسل هستیم که: «آن چه ما نیاز داریم نیل به اعتقاد نیست، بلکه تغییر دادن وضع موجود است.»<sup>۶</sup> و این

امر شامل تمام شئون این حیطه می‌شود و در این میان «دانش مرمت» می‌تواند و باید که گامی اساسی بردارد.

اگر چه در برخی موارد سخنی و عقیده‌ای بیان شود که ظاهراً، خلاف آن چه اکثریت و کلیت به آن اعتقاد دارند به نظر برسد، اما اندیشیدن و مورد پرسش قرار دادن یعنی اتخاذ روش تفکر فلسفی کارگشایتر از هر راهکار دیگری می‌تواند باشد؛ زیرا اعتقاد پیدا کردن و همراه شدن با عقیده اکثریت همواره آسان‌ترین راه و نه لزوماً بهترین راه است، چه ممکن است «اکثریت همیشه راه خطا را پیموده و هیچگاه راه حقیقت را تشخیص ندهند.»<sup>۷</sup> به طور مثال تجربه‌ای که همین اواخر در «محوطه‌ی میراث جهانی چغارنیل» و «محوطه میراث جهانی تخت جمشید» اتفاق افتاد و برخلاف اعتقاد بسیاری، حضور متخصصان جوان و نواندیش که اتفاقاً اکثر آنها تحصیلات خود را در همین دانشگاه هنر اصفهان (محل نشر «دانش مرمت») به انجام رسانده‌اند، باعث چنان موفقیتی در این پروژه‌ها گردید که مثال زدنی است. بنابراین محیط سالم اندیشه و تفکر به همراه درک صحیح از به کارگیری علوم در فرآیند اجرایی و بعضاً رسیدن به خط مشی‌های مناسب، آن چیزی می‌تواند باشد که «دانش مرمت» بر ذمه‌ی خویش دارد. آرزوی پایداری، توسعه و موفقیت نشریه‌ی «دانش مرمت» همواره با ما خواهد بود.

۷. بخشی از دیالوگ دکتر ستوکمان در نمایشنامه «شمن مردم» نوشته‌ی انریک

ایبسن.

۶. CEPTICAL ESSAYS; P.157 .